



۲۰۱۴/۹/۹



جليل غنى

آزادى بيان به مفهوم لجام گسيختگى نيست

ملت افغانستان نود و پنجمين سالگرد استرداد استقلال خود و بزرگداشت از محصل استقلال، اعليحضرت امان الله خان غازى، را درين روز ها تجليل مى كند. هر افغان وطن دوست بر كار نامه هاى اين پادشاه عاشق آزادى و آبادى وطن و پيشرفت و انكشاف علم و فرهنگ و ترقى افغانستان افتخار مى كند و بر تاثيرات استقلال طلبى او و مستقل ساختن كامل افغانستان در امور داخلى و خارجى از سلطه انگليس و حكومت هند برتانوى در منطقه و جهان مباحثات مى نمايد.

اما درين ايامى كه افغانستان با يك بحران سياسى ناشى از به درازا كشانيدن انتخابات رياست جمهورى مواجه است وظيفه هر افغان وطن دوست مخصوصاً مؤرخين، قشر آگاه و تحصيل كرده است تا با آگاهى از گذشته هاى پر افتخار افغانستان و تاريخ پر از فراز و نشيب آن در روشنگرى اذهان عامه سهم شايسته و بايسته را انجام داده و حقايق تاريخى را بدون تحريف و حب و بغض به نسل هاى موجود و آينده افغانستان بازگو نمايند. با انكشاف تكنالوژى و دسترسى به وسايل نشراتى همگانى مخصوصاً انترنت، وبسايته ها و دستگاه هاى نشراتى تلويزيونى و راديوئى فرصت نادرى به دسترس همه اهل قلم و آگاه افغان مخصوصاً ژورناليستان با رسالت قرار دارد تا با استفاده معقول و مسؤولانه از اين وسايل و جيبه ملى و تاريخى خود را اداء نمايند.

در عصر حاضر خاصتاً در جوامع پيشرفته چه در غرب و چه در شرق و در هر نقطه اى از جهان احترام به حقوق انسانى و بشرى افرادى از وجايب و مكلفيت هاى هر دولت، هر نهاد و هر انسان است ولى آزادى هاى فردى و اجتماعى در هر جامعه مطابق به قوانين هر کشور با پيروي از اصل احترام به حقوق حقه و مشروع افراد همان جامعه و مبتنى بر قوانينى كه با در نظر داشت ارزش هاى عقيدتى، فرهنگى، عنعنوى و اجتماعى همان جامعه وضع گردیده، بايد رعایت گردد.

آزادى بيان هم يکى از حقوق انفكاك ناپذير و يک رکن اساسى حقوق انسانى شناخته شده است. سوابق حق آزادى بيان و عقیده به قرون هفده و هجده ميلادى بر مى گردد و براى نخستين بار مفهوم آزادى بيان كه با آزادى عقیده مترادف تذكر داده مى شود در لايحه حقوق مدنى انگلستان در سال ۱۶۸۹ در سند آزادى بيان در پارلمان و سند حقوق مدنى اتباع و باشندگان در جريان انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ مسجل شد. اين اعلاميه آزادى بيان و عقیده را در ماده يازدهم چنين قيد مى كند:

«مفاهمه و مكالمه آزاد مفكوره ها و نظريات يکى از با ارزش ترين حقوق انسان است. هر تبعه مى تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنويسد، و چاپ نمايد ولى بايد مسؤول سوء استفاده از اين آزادى طوریکه در قانون تعريف ميگردد، باشد.»

ماده نژدهم اعلاميه جهانى حقوق بشر كه در سال ۱۹۴۸ به تصويب رسيد حق آزادى بيان و عقیده را چنين تضمين ميکند:

«هر کس حق ابراز آزادانه نظريات و عقايد را بدون مداخله دارد، و بنا بر آن هر کس حق آزادى بيان را دارد اين حق تحريرى و يا چاپى، بشکل آرت (هنر) و يا از طريق هر رسانه ديگرى مى باشد. تعميل اين حقوق مستلزم وجايب و مسؤوليت هاى خاص است و بنا بران در مواقع ضرورت معروض به برخى محدوديت ها براى احترام به اعتبار حقوق ديگران و يا حفاظت امنيت ملى و يا نظم عامه و يا صحت عامه و يا روحيه عامه خواهد بود.»

وقتى به اين تعريف ها دقيق شويم مى بينيم كه آزادى بيان هم مثل همه آزادى هاى ديگر محدوديت ها و قوانين و مقرراتى دارد كه هر فرد جامعه را در هر موقعيت و يا مقامى كه قرار دارد مكلف به احترام به اين قوانين مىسازد و مطابق به عرف و مقررات و قوانين و فرهنگ هر جامعه و منافع ملى و مصالح علياى هر کشور اين محدوديت ها هم فرق ميکند. درين مورد مقاله اى تحقيقي نگاشته بودم و جهات مختلف و محدوديت هاى آزادى بيان در آن تا حدى

مورد ارزیابی قرار گرفته بود که در چهارم سپتمبر سال گذشته در همین پورتال افغان جرمن آنلاین اقبال نشر یافت. درین جا فقط به سه موردی که در محدودیت ها بر آزادی بیان وضع گردیده اشاره میشود:

تشهیر، (بدگونی، تهمت و افتراء تهمت زدن)، به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن؛
دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛ جنگ لفظی که بر هم زدن صلح و آرامش را تحریک کند.
صحبت داکتر استانیزی با یکی از تیلویزیون های افغانها که از شهر او رنج کانتی کالیفرینا پخش میگردد موجب عکس العمل های گردیده و این اظهارات او از طرف دانشمندان و مؤرخن افغان، کاندید اکادیمسن جناب محمد اعظم سیستانی و جناب داکتر عبدالرحمن زمانی با ارائه اسناد تاریخی و مؤثوق رد گردیده است. این سخنان داکتر استانیزی را میتوان ناشی از عدم اطلاع دقیق و عمیق از تاریخ افغانستان و جریاناتی تعبیر نمود که در طول تاریخ افغانستان اتفاق افتاده. حوادث و جریانات تاریخی در هر جامعه و کشور جریانات منفرد و بی ارتباط نیست بلکه چون زنجیری یکی با دیگری ارتباط دارد و هر جریان تاریخی از حوادث قبلی متأثر است لذا برای درک واقعی حقایق تاریخی باید سابقه هر جریان و واقعه و تأثیرات آن بر وقایع و جریانات بعدی مطالعه گردد. جای آن دارد که در چنین مواردی که موضوعات حساس تاریخی و ملی متعلق به تمام ملت افغانستان مطرح میگردد گردانندگان محترم بدون در نظر داشت منافع اقتصادی شان با دعوت نمودن مؤرخین و دانشمندان و یا هم به شکل میز های مدور با نشر نظرهای متفاوت برنامه های شان را تنظیم نمایند.

وقتی به گفتار آقای استانیزی دقت شود دیده میشود که او نه تنها بر پادشاه افتخار آفرین و استقلال طلب افغانستان تهمت زده و دروغ گفته بلکه او را خائن نیز خوانده است.

او با این دروغ خود سراسیمگی را بین افغانها موجب گردیده و تشنت فکری را ایجاد کرده و صلح و آرامش افغانها را بر هم زده است.

در چنین مواردی است که ژورنالیست آگاه و رسالتمند به مقابله بر می خیزد و به حیث صدای مردم یعنی خوانندگان، بینندگان و شنوندگان اعتراض میکند و یا توضیحات لازم را ارائه میدارد.

اینها اصولی است که در همین جامعه غرب پیروی میشود جامعه که پیشتاز آزادی بیان و عقیده و مدافع این حق در جهان است ولی در عین حال این حقوق حدود و ثغوری دارد و لجام گسیختگی نیست.

گذشته از آن در همین جهان غرب هر گاهی که موضوع منافع ملی و یا افتخارات ملی مورد بحث قرار میگیرد، گرداننده یا گوینده هر برنامه توقف میکند و از هر گونه اظهاراتی که منافی این اصول باشد جلو گیری می نماید.

شکی نیست که هر کس حق ابراز نظر را در موضوعات مختلف دارد و در عین حال مسؤول گفتار خود است ولی اصل توازن و داشتن نظر متفاوت برای متوازن ساختن صحبت و ارائه نظریات موافق و مخالف یک موضوع

از اصول اساسی هر گزارش، مصاحبه، تحقیق و ارائه معلوماتی در هر کار ژورنالیستیک است وقتی کسی پای صحبت یک گرداننده و یا مصاحبه کننده ای یکی از رسانه ها می نشیند و «هر چه دل تنگش میخواهد» می گوید اینجاست که نقش یک ژورنالیست رسالتمند و آگاه مطرح میگردد و اگر مصاحبه شنونده تنهاست مصاحبه کننده لازم است که نه به حیث ناظر و شنونده بلکه با معلوماتی که از قبل در مورد موضوع مورد بحث به دست می آورد به ارائه معلومات و نظریات متفاوت برای دریافت حقایق به پردازد نه اینکه فقط شنونده باشد و با طرح سؤالا اکتفاء نماید و هر سؤال لازم است حاوی نکاتی باشد که مصاحبه کننده را چلنج بدهد تا درستی و نادرستی اظهارات مصاحبه کننده تثبیت شود.

درین مرحله که افغانستان در یک سر درگمی سیاسی قرار دارد و نه رهبر سیاسی وجود دارد که از منافع ملی افغانستان صمیمانه و صادقانه دفاع نماید و نه هم حکومت قانونی و مشروعی تشکیل شده تا نه تنها جواب تبلیغات و تخریبات دشمنان داخلی و خارجی را بدهد بلکه جلو راکت بارانهای پاکستان را بر کشور بگیرد، پخش چنین برنامه ها و نظریات جز اینکه به آسیای دشمنان آب بریزد منفعت دیگری نخواهد داشت .

دشمنان سوگند خورده افغانستان از هیچ وسیله و ابزاری برای تخریب هویت ملی، افتخارات ملی، منافع ملی، وحدت ملی، توأمیت ملی، تاریخ و فرهنگ افغانی دریغ نمی کنند و از هر موقعیتی و فرصتی برای وارد کردن ضربه دیگری رو گردان نیستند ولی این وظیفه هر افغان وطن دوست است که در چنین شرایط و اوضاعی تمام تعلقات قومی، نژادی، سمتی، منطوقی، زبانی و گروهی و تنظیمی خود را کنار بگذارد و به حیث یک افغان از منافع ملی و افتخارات خود دفاع کند و دیگر نگذارد هر کس و ناکسی هر توهینی که بخواهد بر این ملت و افتخارات آن به نماید.

پایان